

اشتفان سوايگ
ترجمه محمود حدادی

حدیث شطرنج و آخرین روزهای سیسرو

ofoqbooks.com

ofoqpublication

ofoqpublication

سوايگ، اشتفان، ۱۸۸۱ - ۱۹۴۲ م. Zweig, Stefan
حدیث شطرنج / اشتفان سوايگ؛ ترجمه محمود حدادی؛ ویراستاران:
رضا فیض، سرمد اغوالی.

تهران: افق، ۱۴۰۲.

۱۲۰ ص.

ادبیات امروز، مجموعه داستان: ۶۷

978-622-332-084-2

فیبا

عنوان اصلی: [2013], Schachnovelle

کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت

منتشر شده است.

داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م.

German fiction--20th century

حدادی، محمود، ۱۳۲۶ - مترجم.

PT۲۶۱۷

۸۳۳/۹۱۲

۹۳۵۹۴۱۷

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتاب‌شناسی ملی

www.ketab.ir

حدیث شطرنج

و آخرین روزهای سیسرو

ادبیات امروز / مجموعه داستان / ۶۷

نویسنده: اشتفان سوايگ

مترجم: محمود حدادی

ویراستاران: رضا فیض - سرمد اغوالی

نقاشی روی جلد از: اونوره دومیه (Honoré Daumier)

صفحه‌آرایی و نسخه‌برداری: آتلیه نشرافق

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۲-۰۸۴-۲

چاپ دوم: ۱۴۰۳، ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سیب • چاپ و صحافی: کهنمویی

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤسسه نشر افق محفوظ است.
هرگونه استفاده از کتاب‌آرایی و عناصر آرایشی و نیز تکثیر و تولید دوباره آن به هر شکل
و شیوه از جمله چاپی، کیبی، صوتی، تصویری و الکترونیکی بدون اجازه مکتوب ناشر
پیگرد قانونی دارد.

افق
نشر

تهران، ص.پ. ۱۱۳۵ - ۱۳۱۴۵

تلفن ۶۶۴۱۳۳۶۷

ofoqbooks.com

info@ofoqbooks.com

ofoqpublication

ofoqpublication

www.ketab.ir

یادداشت مترجم / ۹

به یاد اشتفان سوايگ به مناسبت دهمین سالِ مرگ او / ۱۳

حدیث شطرنج / ۱۷

پی نوشت های حدیث شطرنج / ۸۳

یادداشتی کوتاه بر آخرین روزهای سیسرو / ۸۷

آخرین روزهای سیسرو / ۸۹

پی نوشت های آخرین روزهای سیسرو / ۱۱۷

یادداشت مترجم

اشتفان سوايگم (۱۸۸۶-۱۹۴۲) در يك خانواده ثروتمند يهودی در وين به دنيا آمد. از دوس سالگی اش چندانى نگذشته بود كه در مقام نویسنده، شاعر، مترجم و محقق زندگى نامه نویس اعتبارى جهانى یافت. آنچه بیش از همه در زندگى او و آثار پرشمارش - از جمله در همین داستان و گزارش - بازتاب مى یابد، صلح خواهى پیکر دهه هاى پر جنگ و آشوب نیمه اول قرن بیستم است. در این سال هاى آکنده از نفرت هاى ملّى، آرزوى او اروپایى بود كه فرهنگ مرزهايش را از میان بردارد و به آن یگانگى ببخشد. وی در راه این مقصود سفرهاى ادبى بسیارى در اروپا كرد كه خود آن را «تحصیلات واقعى» اش مى خواند. در سال ۱۹۱۹، پس از فروپاشى نظام قیصرى در اتریش و سقوط حكومت امپراتورى آن بر بسیارى كشورهاى اسلاوى، به زالتسبورگ اسباب كشید، زیرا برای رفت و آمد با بزرگان ادب اروپا این شهر مركزى را - به نسبت وين در گوشه شرقى اتریش - پایگاهى مناسب تر مى یافت. در ۱۹۳۳، سال قدرت یافتن نازى ها در آلمان، نگران از پیش احساس وقوع فاجعه فاشیستى برای كشور خود، به انگلستان كوچید و در خفقان ناشى از حاكمیت نازى ها بر كشورهاى آلمانى زبان، ناچار

به قطع همکاری با ناشر دیرین خود شد و این سرآغاز انزوای او در غربت بود. در کوران جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۰، دل از اروپایی که برایش یگانگی فرهنگی آرزو کرده بود کند و به دوردست قاره آمریکا، برزیل، پناه برد و در همین کشور در پتروپولیس، شهری کوچک، گوشه گرفت. وی که در همه عمر با بسیاری نویسنده، شاعر و دانشمند ارتباط داشت - از جمله با بزرگانی چون رومن رولان، ماکسیم گورکی و زیگموند فروید - در تنهایی این غربت دور دو آخرین اثر خود را نوشت: نخست خاطرات زندگی اش را با عنوان جهان دیروز؛ سپس، همچون آخرین یادگار قلمش، همین حدیث شطرنج را.

با پیوستن ژاپن به کشورهای درگیر جنگ و خبرهای هولناکی که از اروپا می‌رسید، نیز از سر افسردگی ناشی از بار غربت، این نویسنده انسان دوست همراه همسرش، لوته آلمان، در پتروپولیس، در سوم فوریه ۱۹۴۲، دور از «وطن فرهنگی» خود، اروپا، خودکشی کرد.

سوایک در همه عمر نویسنده ملی کشور خود به شمار می‌رفت، آن هم با بیشترین خواننده و پرشمارترین ترجمه از آثارش. دلیل موفقیت وی این که بیش از همه رویدادهای تاریخی را در قالبی داستان‌سرایانه بازگو می‌کرد و در این راه از روان‌کاوی و تحلیل خصایل انسانی نیز بهره می‌گرفت. بررسی او در پیش‌زمینه‌های قتل ماریا استوارت به دست الیزابت اول، در ضمن، شرحی است بر شکل‌گیری پایه‌های امپراتوری انگلستان در قرن شانزدهم، و تحلیل روان‌کاوانه اش بر زندگی ژوزف فوشه - مرد هزارچهره انقلاب فرانسه - در ضمن کندوکاوی است در علت‌های شکست این انقلاب و سربرداشتن بناپارتیسم. وانگهی تحلیل‌های او بر زندگی تولستوی، داستایوفسکی، نیچه، کلایست و هلدرلین آثارش را بدل به فرهنگ‌نامه‌ای ادبی کرده‌اند. وی در همه این آثار نثری روان، تصویرآفرین و جابه‌جا شاعرانه دارد.

هم چنان که در همه جهان، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، آثار سوايگ در ايران هم پرخواننده بودند. از جمله همين نوولای او در سال ۱۳۲۵، به قلم خانم نيره سعیدی، مدير مجله بانو، به احتمال بسيار از زبان فرانسوی و با عنوان نه چندان منطبق شطرنج‌باز، به فارسی درآمد است و از آن پس یکی دو بار ديگر هم. اما فارسی امروز، در روبه‌رو شدنی ناچار با زبان‌های زنده جهان، پیوسته در حال پوست انداختن و پویاتر شدن است. یک پیامد اين روند پربار هم اين که نثر نسل‌های پيشين زود منسوخ می‌شود، خاصه نثر ترجمه که در آن روزها از پشتوانه چندان تجربه‌ای برخوردار نبود.

با يادکرد از اين مترجم پيشگام، در زیر اشاره‌ای به اين آخرين آثار قلم سوايگ به سهم خود روشنگرانه خواهد بود:

سوايگ داستان جان را پابه‌پای زندگی نامه‌اش، جهان ديروز، به پايان رساند. به اين معنا بازيبانی در پايان‌ش فاشيسم و غلبه اين قدرت نوکیسه بر اروپا، و از جمله اتریش، در اين داستان هم پس زمینه قرار می‌گیرد و در قالب شرح زندگی دو شخصیت متضاد، که با همه ویژگی‌های فردی خود در ضمن نقشی نمادین و تاریخی دارند، فرهنگ کهن ميهن اين نویسنده را در خطر سقوط نشان می‌دهد.

اين اثر، اندک زمانی پس از خودکشی سوايگ، با شمارگان تنها دویست و پنجاه نسخه در بوئنوس آیرس به چاپ رسید، اما از دهه‌ای پس از جنگ تا به امروز یکی از پرخواننده‌ترین آثار او بوده است و دست‌مایه ساخت یک فیلم سینمایی هم. متن دوم اين دفتر، گزارش زندگی سیسرو - سخنور کلاسیک رومی در قرن اول پيش از میلاد - در همان سال‌های غم‌بار جنگ و غربت بر قلم سوايگ نشست و از همان شرایط تاریخی هم رنگ گرفته است. به اين ترتیب، اين گزارش در ضمن آينه‌ای از زندگی سوايگ در روزهای آخر عمر اوست و یک بار ديگر نشان می‌دهد تاریخ‌نگاری در ذات خود اساساً چشم‌اندازی دوسویه

دارد و هرباره در بازپرداخت گذشته تحلیلی نیز از اکنون به دست می دهد.
در اینجا یادآور می شوم که در پایان کتاب پی نوشت هایی چند در شرح
پیوندهای داستان آمده است.

۱۳۹۴

www.ketab.ir